

دکتر عباس سرافرازی*

دانشیار گروه تاریخ

دانشگاه فردوسی مشهد

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال پنجم، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۹۲

(ص ۸۴-۶۷)

نهضت نامه های ابریشمی در جنگ جهانی اول

چکیده

نهضت نامه های ابریشمی، حرکتی سیاسی و مذهبی بود که به وسیله ی شخصی به نام محمود الحسن دیوبندی مشهور به شیخ الهندی بر ضد انگلیسی ها در هندوستان و شبه قاره صورت پذیرفت که دامنه ی آن تا افغانستان و ایران کشیده شد. وی تحت تأثیر افکار سلف گرایانه رهبران مدرسه ی دیوبند هند قرار داشت و چون مکاتبات و نامه های رهبران این حرکت، بر روی پارچه هایی از جنس ابریشم نوشته می شد، این جنبش به نام نهضت نامه های ابریشمی نامیده شده است. این حرکت در جنگ جهانی اول با تأثیر پذیری از اتحاد عثمانیان و آلمانی ها، فعالیت هایی را به نفع آلمانی ها و علیه منافع بریتانیا در منطقه خاورمیانه و هند انجام داد و عاقبت با کشف برخی از نامه های آنان توسط مأموران اداره اطلاعات پنجاب وابسته به سازمان مخفی انگلیس، فعالیت های آنان فاش و ضربه هایی بر آنان وارد گردید.

روش پژوهش تاریخی با تکیه بر منابع و متون تاریخی است که بیشتر بر منابع انگلیسی و نوشته های محققان پاکستانی و هندی و برخی از منابع محلی ایرانی که محققان بلوچ نوشته اند، متکی است. مهمترین نتیجه این پژوهش، تأثیری است که مسلمانان از شورش بزرگ هند گرفتند و باعث جنبشی ضد انگلیسی با گرایش های دینی گردید. این جنبش اعتراضات هند را در سرزمین های دیگر گستراند و آن را با نارضایتی های عراق و عثمانی

*Email: ab.sarafrazi@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۰

پیوند داد و با آغاز حرکت های متحدین یکی از عوامل پیوند مسلمانان شبه قاره هند با عثمانی و تأثیر پذیری آنان از فتوای علمای عثمانی شد.

کلید واژه ها: هندوستان، ایران، بلوچستان، نهضت نامه های ابریشمی، آلمان ها،

انگلیسی ها

مقدمه

رقابت های آلمانی ها و انگلیسی ها در اروپا به آسیا نیز سرایت کرد. آلمانی ها درصدد برآمدند به منظور ضربه زدن به منافع انگلیسی ها در شرق، از احساسات مذهبی گسترده ای که علیه انگلیسی ها به خاطر سال های متمادی تسلط آن ها در هندوستان و ایران وجود داشت، استفاده نمایند و مردم کشورهای عراق، ایران، افغانستان و هندوستان را علیه انگلیسی ها تحریک نمایند. آنان با اعلام اسلام آوردن ویلهلم دوم قیصر آلمان و انتشار فتاوی علمای عثمانی و علمای شیعه در ایران و عراق قصد داشتند، جنگ و جهاد مذهبی علیه انگلیسی ها را تدارک ببینند.

بیان موضوع

با توجه به اهمیت تواریخ محلی و منطقه ای و خصوصاً پژوهش در مورد نقش بیگانگان در ایران و منطقه ی جنوب شرق ایران و شبه قاره ی هند، این پژوهش حائز اهمیت است.

محدوده ی پژوهش

از نظر زمانی این پژوهش، دوره ی جنگ جهانی اول را دربرمی گیرد و از بعد مکانی جنوب شرق ایران و شبه قاره ی هند را شامل می گردد.

روش پژوهش

روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش، تاریخی است. روشی که در آن پژوهشگر، با مشاهده ی غیر مستقیم و با تکیه بر اسناد و مدارک و منابع تاریخی به تجزیه و تحلیل واقعیات می پردازد. منابع تاریخی فارسی، انگلیسی و نوشته های محققان پاکستانی و پژوهشگران بلوچ ایرانی مورد توجه بوده است.

پیشینه ی پژوهش

تاکنون پژوهش هایی درباره ی نقش ایرانیان در جنگ جهانی اول و همکاری هایی که بین ایرانی ها و آلمانی ها به وجود آمد، صورت گرفته است. حتی درباره ی فعالیت های اهل سنت نیز پژوهش هایی انجام شده است؛ اما به یکی از فعالیت های ضد انگلیسی که معروف به نهضت نامه های ابریشمی بوده و ارتباط بسیار تنگاتنگی با مدارس دیوبند هندوستان، از مراکز مذهبی اهل سنت داشته در منابع فارسی اشاره ای نشده است و ایرانیان از این حرکت اطلاع چندانی ندارند.

بنیانگذاران حرکت نامه های ابریشمی با نمایندگان خلیفه ی عثمانی روابطی داشتند و تحت تأثیر تبلیغات آلمانی ها، چندین شورش ضد انگلیسی را در شبه قاره و بلوچستان به راه انداختند و تأثیراتی نیز در منطقه گذاشتند که تا امروز باقی مانده و در سال های اخیر با حرکت های سلف گرایانه ای که به وجود آمده، حساسیت آن بیشتر شده است. با توجه به اهمیت مسأله این پژوهش در نظر دارد حرکت نامه های ابریشمی را مورد بررسی و امعان نظر قرار دهد. از جمله منابعی که به نهضت نامه های ابریشمی اشاره دارند، منابع ذیل هستند که به دو زبان اردو یا انگلیسی نوشته شده اند:

"یک سیاسی مطالعه " نوشته ی حسین احمد مدنی: گردآوری ابوسلمان شاه جهانپوری کراچی، مجلس یادگار شیخ الاسلام (به زبان اردو) از همین نویسنده کتاب " نقش حیات به زبان اردو انتشارات دار الاشاعت کراچی و کتاب محمد سلمان منصور پوری به نام رهبر بزرگ انقلابی آسیا، ترجمه ی خدابخش اسلام دوست چاپ حوزه ی علمیه چابهار نیز وجود دارد. علاوه بر منابع ذکر شده " تاریخ شیخ الهند " تألیف مولانا سید محمد میان شیب همچنین کتاب " پان اسلامیسیم در سیاست های هند بریتانیا تألیف محمد نعیم قریشی نیز دارای مطالبی در مورد بحث مورد نظر است.

دستاورد پژوهش

نتیجه ی این پژوهش، تأثیرپذیری مسلمانان از شورش بزرگ هند که باعث جنبشی ضد انگلیسی با گرایش های دینی گردید. این جنبش اعتراضات هند را در سرزمین های دیگر گستراند و آن را با نارضایتی های عراق و عثمانی پیوند داد و با آغاز حرکت های متحدین، یکی از عوامل پیوند مسلمانان شبه قاره ی هند با عثمانی و تأثیرپذیری آنان از فتوای علمای عثمانی شد.

نقش مسلمانان در شورش ۱۸۵۷/۱۲۷۳ هندی و هندوستان

مسلمانان هندی در شورش ۱۸۵۷م/۱۲۷۳قمری نقش بسیار مهمی را برعهده داشتند؛ اگر چه اولین جرقه های این قیام به وسیله ی سربازان هندی زده شد، مسلمانان با دامن زدن به این ناآرامی ها، با سرعت خود رهبری شورش را به دست گرفتند. به همین دلیل اکثر محققان انگلیسی از واژه ی مسلمان در آن زمان به عنوان عنصر متمرّد و یاغی تعبیر نمودند. مسلمانان شورش ۱۸۵۷ را به قیامی جهت سرنگونی حکومت بریتانیا در هند تبدیل کردند. (metcalf,1965:298)

آنان پس از این شورش به نحو معجزه آسایی متحد شدند و در ژوئیه و سپتامبر ۱۸۵۷ در برخی نقاط، قیام مسلحانه ی شدیدی بر ضد بریتانیا تدارک دیدند و مسلمانی به نام مصطفی در اسنوت به کمک یاران خویش، خسارت های قابل توجهی به انگلیسی ها وارد آورد. در جریان انقلاب، تمامی قشرهای مسلمان از طبقات مختلف جامعه و اقوام گوناگون برای سرنگونی بریتانیا همداستان شده بودند. (kampbell,1983:243)

به دلیل شرکت گسترده ی مسلمانان در شورش هند، انگلیسی ها پس از سرکوب آن، سخت گیری بر مسلمانان را نسبت به هندوها شدت دادند و با تحت نظر گرفتن مسلمانان لحظه به لحظه بر فشارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود افزودند. (Qureshi,1947:610) آنان اعضای خانواده ی بهادرشاه حکمران وقت از سلسله ی مغولان هند را اعدام و قتل عام کردند و بهادرشاه را به رانگون تبعید نمودند. مسلمانان شبه قاره

پس از شورش خونین ۱۸۵۷ بر خلاف هندوها و سایر اقوام آنجا به مبارزه علیه بریتانیا ادامه دادند و با تأثیرپذیری از حوادث و وقایع صدر اسلام و سایر اندیشه های اسلامی همچون تبلیغ، هجرت و جهاد، اقتدار بریتانیا را در منطقه به چالش کشیدند. یکی از اولین حرکت های اعتراضی علیه انگلیسی ها در هندوستان، قیام اهالی ایالت «اود» بود. در سال ۱۱۲۰/۱۷۰۸ هجری دولت اود به وسیله ی میرمحمدامین نیشابوری ملقب به سعادت خان و برهان الملک تشکیل گردید. او به خانواده ای از سادات محترم نجف تعلق داشت که به وسیله ی شاه اسماعیل صفوی در خراسان در منصب قضاوت منصوب شد و بعدها به هندوستان مهاجرت کرد و پایه های حکومت خاندان نیشابوری اود را بنا نهاد. «بزودی با مهاجرت شیعیان کشمیر و سایر نقاط هند، سرزمین اود به کانون تشیع در هند تبدیل شد و همپای آن پوشاک و زبان و فرهنگ ایرانی رواج یافت. (J.R.H.Cole, 1989:40) سرزمین اود همزمان با انقلاب هند، مورد هجوم انگلیسی ها قرار گرفت و اهالی اود دست به قیام زدند. رهبری انقلاب اود با احمد شاه مولوی، روحانی شهر فیض آباد بود که یک روحانی شجاع و محبوب و شیعی بود و بیگم حضرت محل همسر وجد علی شاه (۱۸۴۸/۱۸۵۶) آخرین حکمران اود نیز، انقلاب را همراهی می کرد. مولوی احمد الله پس از جنگ های بسیاری علیه سلطه ی انگلیس، به شهادت رسید و بیگم حضرت در رأس نیروهای خود به جنگ و گریز با نیروهای انگلیسی ادامه داد و عاقبت به نپال پناهنده شد. در تاریخ هند، این زن شجاع شیعه را به عنوان قهرمانی بزرگ ستوده اند. (Sen:1958:350) قیام شیعیان اود و دخالت و مشارکت آنان علیه سلطه ی انگلیس، باعث گردید انگلیسی ها در صدد انقراض این دولت شیعه تبار برآیند. می توان گفت بنیان گذار حرکت های ضد سلطه ی استعماری در هندوستان نیز، شیعیان بودند و از بین رفتن این سلسله ی حکومتی و انضمام اود به مستملکات بریتانیا را یکی از علل اصلی انقلاب هندوستان در سال ۱۸۵۷ می دانند. شهر های لکهنو و کانپور (Cawnpore) در منطقه ی اود از کانون های اصلی انقلاب و شورش بزرگ هند بودند و آنان سخت ترین مقاومت ها را در برابر تهاجم ارتش انگلیس ابراز داشتند. (شهبازی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۰۹)

سابقه ی مبارزه و جهاد اسلامی در هندوستان به قرن هجدهم میلادی برمی گردد. از این سال ها و در راستای هم، شیعیان و اهل سنت، مبارزه علیه سلطه ی انگلستان را آغاز کردند. شاه ولی الله دهلوی یکی از علمای هند در نامه ای از احمدشاه ابدالی (حکمران افغانستان) دعوت کرد در راستای انجام فریضه ی جهاد به هند حمله نماید و مسلمانان آنجا را از دست کفار رها سازد. (شیال، ۱۳۸۳: ۶۰) فرزند وی شاه عبدالعزیز دهلوی، فتوایی مبنی بر دارالحرب بودن سرزمین هند صادر کرد و با این عمل از سال ۱۸۰۳م/ ۱۲۱۸ هجری سنگ بنای نهضت اسلامی هند را پایه ریزی نمود (مدنی، ۲۰۰۶: ۳۳۸) که قبل از شورش بزرگ هند که در سال ۱۸۵۷م/ ۱۲۷۳ هجری به وقوع پیوست، مبارزاتی علیه انگلیسی ها شکل گرفت. شخصی به نام احمد شاه، نبردهای متعددی را در پیشاور به وجود آورد و تلفات قابل توجهی به نیروهای بریتانیایی وارد نمود؛ اما سرانجام با لشکرکشی گسترده ی ارتش بریتانیا به مناطق سکونت وی، حرکت وی پایان پذیرفت. (Nerhll.H.L,1912:25)

سید احمدشاه از سادات شهر بریلی هند است که تبارش با ۳۶ واسطه به امام حسن مجتبی (ع) می رسد. وی در زمره ی شاگردان شاه عبدالعزیز دهلوی جای گرفت. او برای ادامه ی تحصیل به دهلی عزیمت کرد و به سید احمد برلوی مشهور گردید و شاگرد برجسته ای گردید. وی اولین روحانی مسلمان شناخته می شود که فتوای جهاد علیه استعمار بریتانیا را صادر کرد و از سال ۱۸۱۷ سفرهای تبلیغی در هند را آغاز کرد و مسلمانان را به بازگشت به اسلام اصیل و اعاده ی اعتبار و اقتدار گذشته دعوت نمود. وی گروه «طریقت محمدیه» را تأسیس کرد. (شهبازی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۵۵)

با شکست شورش هند، برخی از افراد مانند مولانا محمد قاسم نانوتوی و مولانا رشید احمد گنگوڑهی در تاریخ ۱۸۶۷ م/ ۱۲۸۴ هجری در شهر دیوبند در نزدیکی دهلی، بنای مدرسه ای را ریختند که در آینده تأثیر زیادی بر تفکرات مسلمانان شبه قاره و منطقه بر جای نهاد. (هاردی، ۱۳۶۹: ۲۳۵) این مدرسه ی شبانه روزی «دارالعلوم دیوبند» نام گرفت. آنان گروه های بسیاری را علیه حکومت بریتانیا در هند تربیت کردند و به زودی افکار رهبران مدرسه ی دیوبند در سرزمین های دیگر گسترده شد و قیام هایی را به وجود آورد.

این حرکت‌ها نشان می‌دهد در بین شیعیان و اهل سنت شبه قاره، یک درد و تنفر مشترک نسبت به تسلط انگلیسی‌ها وجود داشته که در نهایت منجر به قیام ۱۸۵۷ هند گردید؛ گرچه این قیام به وسیله‌ی انگلیسی‌ها سرکوب شد، زمینه‌های شکل‌گیری نهضت‌ها و حرکت‌هایی شد که همزمان با جنگ جهانی اول، دوباره خود را نشان داد.

نهضت نامه‌های ابریشمی

همان‌طور که اشاره شد در سال ۱۲۸۴/۱۸۶۷ قمری در نزدیکی دهلی، مدرسه‌ی دیوبند به وجود آمد. پس از این که تبلیغات ضد انگلیسی رهبران مدارس دیوبند از هندوستان تا مرزهای شمالی و غربی هند یعنی افغانستان و بلوچستان گسترده شد و قیام‌های متعدّد بر ضد انگلستان صورت پذیرفت، یکی از رهبران مسلمان هند به نام «محمود الحسن دیوبند» معروف به «شیخ الهند» بر ضد بریتانیا قد علم کرد و پرچم مبارزه و جهاد بر ضد استعمار را به دوش گرفت تا با شکست و اخراج انگلیسی‌ها، حکومتی تشکیل داده و زمام امور مسلمانان هند را به دست خودشان بسپارد. (سربازی، ۱۳۸۶: ۸۹)

نهضت نامه‌های ابریشمی، حرکتی است که به وسیله‌ی محمود الحسن شکل گرفت و رهبران مسلمانان مدارس دیوبند در هندوستان، آن را سازماندهی نمودند. به این جنبش از آن جهت عنوان «نهضت نامه‌های ابریشمی» دادند؛ چون نامه‌های ارسالی یکی از اعضای گروه به رهبر نهضت در حجاز و ایران به وسیله‌ی جاسوسان انگلیسی در اداره‌ی اطلاعات پنجاب کشف شد و این نامه بر روی پارچه‌های ابریشمی نوشته شده بود، حرکت فوق به نهضت نامه‌های ابریشمی معروف گردید. (Smit, 1979: 233)

در شبه قاره، این نهضت به نام "تحریک ریشمی رومال" نامیده می‌شود. تحریک به معنای حرکت، نهضت و جنبش است و رومال همان حوله و دستمال است. در زبان اردو به این نهضت "گلوبند چس" یا گلوبند جس نیز گفته شده است. این حرکت در هندوستان طرح ریزی شده بود که از مرزهای شمال غربی هند به هندوستان حمله شود و مسلمانان آن مناطق نظام حکومت انگلستان را در هند نابود سازند. نهضت نامه‌های ابریشمی، اولین حرکت برای آزادی هند بود.

اهداف نهضت ریشمی رومال

هدف اصلی رهبران جنبش آن بود که با تبلیغات و مهاجرت مجاهدین مسلمان هند به سوی مرزهای شمالی و غربی هند، این حرکت را به مناطق همجوار آن جا یعنی افغانستان و بلوچستان بکشانند. هدف دیگر آنان احیای احکام الهی و سنت های رسول اکرم (ص) در زمینه های فردی و اجتماعی بود. آنان همچنین خواهان برپایی خلافت اسلامی بودند. برانگیختن مردم در برابر استعمار انگلیس و جلوگیری از مداخلات ناروای بریتانیا از جمله درخواست های دیگر آنان بود. تحریم شرکت در ارتش و نیروهایی که بریتانیا در منطقه داشت و همچنین تحریم و عدم استفاده از مصنوعات انگلیسی ها با هدف وارد نمودن ضربه اقتصادی بر آنان، از جمله اهداف دیگری بود که سران نهضت نامه های ابریشمی دنبال می کردند. نامه هایی را که جاسوسان انگلیسی کشف نمودند، به خط و زبان فارسی از طرف مولانا عبیدالله سندی از رهبران طراز اول نهضت به محمود الحسن (شیخ الهند) در حجاز و تنی چند از افراد دیگر گروه در ایران و سایر مناطق نوشته شده بود و در آن ها علاوه بر برنامه های آتی نهضت، به اسامی تعدادی از مقامات همراه در کشورهایی چون عثمانی، افغانستان و حجاز نیز اشاره گردیده بود و نام بسیاری از اعضای فعال گروه نیز در آن ها درج گردیده بود. (O'D wyer:178)

فعالیت های پان اسلامیستی در هندوستان که از مدت ها قبل سازماندهی گردیده بود، اکنون به یک مشکل بزرگ برای بریتانیا تبدیل گردیده بود. رهبران جنبش پان اسلامی در هند با مظلوم نمایی عثمانی در جنگ های بالکان و یادآوری حمله ی ایتالیا به لیبی در پی این بود تا مسلمانان هند را به این اندیشه و فکر وادارد که بریتانیا در اندیشه ی چیره شدن بر فرهنگ اسلامی و نابودی آن و خوار و لگدمال نمودن مسلمانان است.

نهضت نامه های ابریشمی و جنگ جهانی اول

از آن جا که این جنبش، حرکتی جهانی برای برپایی خلافت اسلامی و احیای اسلام محسوب می شد، همزمان با جنگ جهانی اول و ورود عثمانی به جنگ، تحولات جدیدی در منطقه ی خاورمیانه به وقوع پیوست. نهضت با شروع جنگ جهانی اول در ۱۳۳۲/۱۹۱۴

فَعَالِيَّتِ های خود را گسترش داد. آنان قصد داشتند با دریافت مساعدت هایی از کشورهای عثمانی، آلمان و افغانستان شورش سراسری را در میان مسلمانان هند و مرزهای شمالی و غربی آن کشور چون افغانستان و بلوچستان بر ضد بریتانیا راه اندازی نمایند. (Qureshi, 1999:79) مسلم است که بایستی حرکت ها و جنبش های به وجود آمده در منطقه را با مسائل و طرح های بزرگتری که در سطح جهانی وجود داشت، هماهنگ دانست. نقش آلمانی ها در برانگیختن و تحریک مسلمانان همزمان با جنگ جهانی اول، قابل توجه است. هدف اصلی آلمانی ها، آن بود که با گذر از ایران و افغانستان و برای نفوذ در هندوستان تا آنجا که امکان پذیر است از وجود ناراضیان محلی و مسلمانان استفاده نموده و آنان را علیه انگلیس و منافع آن ها در هندوستان برانگیزند. برای رسیدن به این هدف، اقدامات متفاوتی از قبیل اتحاد با دولت عثمانی، ایجاد رابطه با گروه های مسلمانان ناراضی و اعزام هیأت های مختلف انجام دادند. در این راستا پنج یا هفت هیأت را از طریق ایرن به افغانستان اعزام نمودند که برخی از مأموران آلمانی به نام های نیدرمایر (Nider mayer) و اسموسو زوگمایر (Zogmayer) به ایران وارد شدند. گروه زوگمایر به نام «گروه بلوچستان» معروف بود. وی ابتدا مقام کنسولی شهر اصفهان را پوشش کار خود قرار داده و در صدد بود با عبور از کرمان و ورود به بلوچستان قبایل این مناطق را علیه انگلیسی ها بشوراند. (سپهر، ۹۸:۱۳۶۲) نقشه ی حضور آلمانی ها در ایران را می توان نتیجه ی تصمیمی دانست که از جانب عثمانی ها آغاز شد. پس از امضای قراردادی در دوم اوت ۱۹۱۴/دهم رمضان ۱۳۳۲ هجری، انور پاشا، وزیر جنگ عثمانی، تصمیم گرفت هیأتی را از راه ایران عازم افغانستان و هندوستان نماید تا حبیب الله خان، پادشاه افغانستان را به جهاد علیه انگلیسی ها در هندوستان ترغیب نماید. (باست، ۸۴:۱۳۷۷) به هر صورت درگیر شدن ایران و هند در جریان جنگ جهانی اول، نتیجه ی تصمیمی بود که از جانب آلمان و عثمانی اتخاذ شد. آلمان یک کمیته به نام «کمیته ی هندی برلین» به وجود آورده بود که برای آزادی هند مبارزه می نمود. هیأت های اعزامی مرکب از عوامل آلمانی - ترک و هندی به سوی مرزهای هند، افغانستان و بلوچستان اعزام شد تا قبایل مسلمان این مناطق را بر ضد بریتانیا دعوت به قیام و جهاد نماید. (Ansari, 1986:514) مولانا عبید الله سندی که معاون

اصلی محمود الحسن بود، در افغانستان با عوامل آلمانی و ترک، ملاقات مهمی انجام داد و قرار شد گروه های اسلامی به همراه وابستگان و علمای منطقه در افغانستان و مناطق مرزی هند همچون بلوچستان، قبایل جنگجوی منطقه را برای جهاد بر ضد بریتانیا دعوت نمایند. (Margoliouth, 1912:44) محمدنعیم قریشی به اقامت موقت رهبر نهضت نامه های ابریشمی در ایران اشاره دارد. (Qureshi, Ibid:97)

رهبر نهضت نامه های ابریشمی محمود الحسن در دوم شوال ۱۳۳۳ ق/اگوست ۱۹۱۵ م از دیوبند عازم حجاز گردید و پس از استقرار در آنجا، با انور پاشا و جمال پاشا، دو تن از مقامات ارشد عثمانی دیدار نمود و نامه هایی را با امضای آن دو نفر و تأیید خود به سه زبان فارسی، عربی و ترکی آماده نمود که در آن ها مردم مسلمان مرز های شمالی و غربی هندوستان، افغانستان و بلوچستان به جهاد اسلامی همراه نیروهای عثمانی دعوت شده بودند. (Mian Shahib:92)

تبلیغات آلمان و عثمانی به کمک عوامل مذهبی و قومی آن ها در ایران و سایر مناطق مسلمان نشین به اندازه ای گسترده بود که بسیاری از مردم، داستان اسلام آوری قیصر آلمان را باور کرده بودند. (کاتوزیان، ۱۳۷۹:۱۰۰۸) پس از دیدار محمود الحسن در حجاز با رهبران عثمانی، رابطه ی نزدیکی بین اعضای فعال نهضت نامه های ابریشمی در هند، افغانستان و بلوچستان با نمایندگان اعزامی آلمان و عثمانی ایجاد گردید. (Madani, 1954:145) بسیاری از رهبران قبایل شورشی ضد بریتانیا در مناطق غربی و شمالی هند از جمله رهبران قبایل بلوچ مانند سردار بهرام خان باران زهی، ارتباط نزدیکی با حرکت های انقلابی و ملی گرای هندی چون «حزب سیاسی قدر» برقرار کرده بودند. وی همان شخصی است جیمز ماوبرلی از وی به عنوان شاخص ایلی منطقه نام می برد که سیاستی مطابق با اهداف آلمانی ها در پیش گرفته بود. (ماوبرلی، ۱۳۶۹:۲۰۶)

نهضت نامه های ابریشمی که کاملاً تبدیل به یک حرکت سیاسی گردیده بود و با نفوذی که در قسمت های وسیعی از هند و افغانستان و شبه قاره و حتی بلوچستان داشت، مشکلات جدی علیه سلطه ی بریتانیا به وجود آورده بود، به دنبال ایجاد رابطه بین نمایندگان دول عثمانی و آلمان با قبایل بلوچ، رهبران این قبایل حملات شدیدی را به داخل

قلمرو هند و منافع بریتانیا آغاز کردند. علمای بلوچستان نیز که اکثراً از شاگردان نزدیک رهبران نهضت آزادی هند از جمله محمود الحسن و عبید الله سندی بودند و ارتباط نزدیکی با مراکز اصلی نهضت در دیوبند، کراچی و حیدرآباد داشتند، به تبلیغات ضد انگلیسی خود در بلوچستان ایران پس از نزدیک شدن به سرداران مقتدر منطقه همچون بهرام خان شدت بخشیدند، در پیامی از شیخ الہند محمود الحسن که به وسیله ی «مولانا منصور انصاری» به دست اعضای حکومت موقت هند و جنگجویان «جنود ربانی» رسیده بود، دستورات مهمی برای حمله به هند در قالب طرحی که در پیام شیخ به آن اشاره شده بود، وجود داشت که تمامی این دستورات بر روی دستمال ابریشمی زعفرانی رنگی نوشته شده بود. (منصور پوری، ۱۳۷۶: ۴۳) مشاوران و افسران عالی رتبه عثمانی و آلمانی، طرحی تهیه کرده بودند که در آن بر روی جنگجویان مسلمان قبایل بلوچ و افغان، حساب ویژه ای باز کرده بودند. طرح بزرگ آنان این بود که از یک سو حمله ی گسترده ای به وسیله ی عشایر بلوچ از بلوچستان ایران کلات و مکران (نواحی جنوب بلوچستان) با همراهی و کمک ارتش ترکیه به کراچی انجام شود و همزمان با آن از طرف غزنین و قندهار نیز به وسیله ی افغانه و ترک ها به کویته هجوم صورت گیرد. با حمله ی قبایل آزاد از طریق دره ی خیبر به پیشاور، قبایل جنگجوی کوهستانی نیز به داخل قلمرو هند هجوم می بردند. آنگاه سایر مسلمانان داخل هند نیز سلاح برگرفته و شورشی سراسری را تا برافراشتن پرچم آزادی در هند ادامه می دادند.

در دسامبر ۱۹۱۵ میلادی از اتحاد نیروهای ملی گرا و رهبران مسلمان دیوبند، حکومت موقت هند تشکیل گردید. در آن یکی از شاهزادگان هندی به عنوان رئیس دولت، مولوی برکت الله به عنوان نخست وزیر، عبید الله سندی وزیر کشور و مولوی بشیر به عنوان وزیر جنگ انتخاب شده بودند و قرار بر این بود که از سربازان فراری یا اسیر در جبهه های بین النهرین، نیرویی به نام «ارتش مستقل هند» نیز تشکیل گردد.

با کشف نامه های ابریشمی، طرح کودتا بر ضد امیر افغانستان به کمک عوامل آلمانی مانند هنتینگ (Henting)، والتر روهر (Walter Roher) و هواداران آنان برملا گردید. اطلاعات در مورد تجهیزات و امکانات ارسالی برای جنگجویان متحد در نقاط مختلف به

دست آمد که بر اساس آن داده ها، عملیات مختلف و متعددی بر ضد فعالیت های مخالفین به عمل آمد. (Tomas, 2002:p.444)

واکنش انگلیسی ها در برابر نهضت نامه های ابریشمی

با کشف نامه های ابریشمی به وسیله ی اداره ی اطلاعات انگلیسی در پنجاب، بسیاری از طرح های اتحاد آلمان ها با مسلمانان، با شکست روبرو شد؛ زیرا انگلیسی ها در یک اقدام گسترده بسیاری از اعضا و رهبران نهضت نامه های ابریشمی را دستگیر ساختند. بسیاری از رهبران این حرکت که موفق به فرار شدند، در ایران به وسیله ی سرپرسی سایکس کنسول انگلیس در کرمان شناسایی و دستگیر شدند. ترس بریتانیا از اتحاد و ایجاد رابطه بین گروه های معترض مسلمان با اسلام گراهای ایرانی و ترک و هند با کشف نامه های ابریشمی از بین رفت.

رهبر نهضت نامه های ابریشمی که در عربستان به سر می برد، با درخواست انگلیسی ها به وسیله ی «شریف مکه» دستگیر و به انگلیسی ها تحویل داده شد و محمودالحسن (الهندی) به دستور مقامات بریتانیایی به «جزیره ی مالتا» تبعید گردید. حکومت بریتانیا به حکومت دست نشانده در افغانستان فشار وارد آورد که فرد شماره ۲ نهضت یعنی مولانا عبیدالله سندی و یارانش را در افغانستان دستگیر نمایند؛ اما او متواری شد و به مناطقی دوردست مانند یاغستان و نواحی بلوچستان پناه برد.

واکنش های بریتانیا پس از کشف نامه های ابریشمی بسیار زیاد بود. آنان عملیات عملی و دفاعی را برای حفظ مستعمرات پر ارزش آن کشور در هند انجام دادند؛ چرا که آلمان توانسته بود یک اتحاد نسبی بین گروه های اسلام گرای هندی، دموکرات های آزادیخواه ایرانی و قبایل مختلف به وجود آورد. به اضافه این که عثمانی ها نیز با قدرت معنوی که در بین توده های مسلمان داشتند، مردم را به مبارزه علیه انگلیسی ها برمی انگیزتند. کمک های مالی و تسلیحاتی آلمانی ها نیز، احتمال از دست رفتن هند بریتانیا را بسیار زیادی نمود.» باکشف نامه های ابریشمی، کاخ واکینگهام به لرزه درآمد و جاسوسان انگلیسی عملیات گسترده ی نظامی در مرزهای شرقی ایران تدارک دیدند و با اعزام نیروی نظامی به جبهه ی

بین النهرین سعی فراوان کردند سرنوشت جبهه مذکور را تغییر دهند تا خط ارسال تدارکات و نیروی کمکی به مناطق شرقی ایران و مرزهای هند را قطع نمایند. از سوی دیگر «شیخ حسین بن علی» امیرمکه از پذیرفتن درخواست های عثمانی برای تأیید فتاوی جهاد صادره از جانب علمای آن دیار، سر باز زد و فتوای جهاد مذکور را در حالی که مسلمانان از یک سو با کشوری مسیحی چون آلمان متحد می شدند، مضحک خواندند. (Lawrence:49) فرد شماره دو نهضت نامه های ابریشمی، عبید الله سندی و یارانش نیز به وسیله ی امیر افغانستان تحویل انگلیسی ها شدند و در ایران، افسران ارتش بریتانیا از جمله «ژنرال دایر»، «کلنل دو» و «میجر کیز» عملیات نظامی و سیاسی گسترده ای آغاز کردند و توانستند در نهایت با بهرام خان، پیمانی منعقد نمایند. وی با این که با نیروهای آلمانی قبلاً متحد شده بود، به آن ها شبیخون زد و مقدار زیادی از اموال آلمانی ها را غارت نمود.

یکی از نکات جالب در بحث جنگ جهانی اول و نهضت نامه های ابریشمی، تأثیری است که این حرکت در بلوچستان ایران و شبه قاره بر جای نهاد. برخی از ایرانیان بلوچ نیز در نهضت شرکت داشتند؛ از جمله آنان می توان از حاجی شاه بخش لاشاری نام برد که نامه های وزیر دفاع و حاکم عثمانی مکه را با تأیید محمود الحسن به مرزهای هند، بلوچستان و افغانستان می رساند تا به دست افراد و شخصیت های این مناطق برساند. از دلایل اصلی نفوذ این نهضت در بلوچستان ایران، خلاء قدرتی بود که به وجود آمده و نفوذ قدرت مرکزی قاجار در منطقه کم شده بود. ایران به مناطق تحت نفوذ روس و انگلیس تقسیم شده بود. از سوی دیگر تقسیم و جدایی بلوچستان که به وسیله ی انگلیسی ها صورت پذیرفته بود، یکی دیگر از دلایل نارضایتی مردم از بریتانیا و مبارزه علیه آنان و پیوستن به نهضت نامه های ابریشمی بود.

از پیامدهای نهضت نامه های ابریشمی، تأثیری است که این حرکت در سرزمین های دیگر از جمله بلوچستان ایران داشت. مولانا محمد صادق از بلوچ ها جزو مؤسسان اصلی نهضت نامه های ابریشمی بود که به دلیل فعالیت های گسترده ی خویش بر ضد بریتانیا به وسیله ی مأموران اطلاعاتی آنان دستگیر و به مدت سه سال زندانی گردید. (بزرگ زاده: ۱۲۵) محمد صادق با سازمان دهی مذهبی مردم بلوچستان، به جهاد بر ضد انگلستان در

زمان جنگ جهانی اول و اعزام نیروهایی به عراق علیه متفقین اقدام نمود که در نتیجه ی آن تلفات شدیدی به انگلیسی ها در بلوچستان و کلات و جبهه ی بین النهرین وارد شد.

(Maulana Syed Mohammad. P. 77)

نتیجه

شورش ۱۸۵۷م/۱۲۷۳ هجری در هندوستان تأثیرات عمیقی بر شبه قاره ی هند و ایران گذاشت و دخالت انگلیسی ها را افزایش داد. افزایش فشارها بر مسلمانان باعث گردید مقاومت های مذهبی به وسیله ی مسلمانان اعم از شیعه و سنی به وجود آید که وجه مشترک بسیاری از این حرکت ها ضد انگلیسی بودن آن ها بود. از جمله این حرکت ها، نهضت نامه های ابریشمی بود که اعضای آن تحت تأثیر فتوای علمای کشور عثمانی و اتحاد آلمان و عثمانی به طرفداری از متحدین، اقداماتی انجام دادند و در برانگیختن مردم شبه قاره و بلوچستان علیه سلطه ی انگلیسی ها بی نقش نبودند. این حرکت به وسیله ی برخی از رهبران ناراضی مدرسه ی دیوبند شکل گرفت که در آینده بیشترین تأثیرات را بر شکل گیری تفکرات مسلمانان شبه قاره گذاشت. نهضت نامه های ابریشمی توانست در ایران و افغانستان نیز هوادارانی پیدا کند و منافع انگلیسی ها را به مخاطره افکند. حتی پس از جنگ اول جهانی، نفوذ این گروه و طرز تفکر آنان افزایش بیشتری نیز یافت .

منابع

- ۱- باست، البور، **آلمانی ها در ایران، نگاهی به تحولات ایران در جنگ جهانی اول**، بر اساس منابع دیپلماتیک فرانسه، ترجمه ی حسین بنی احمد، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۷۷
 - ۲- سپهر، مورخ الدوله، **ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۸-۱۹۱۴)**، چاپ دوم، تهران: نشر ادیب، ۱۳۶۲
 - ۳- سربازی، محمد یوسف، **جهاد و جایگاه آن در اسلام**، زاهدان: انتشارات مکتب اسحاقیه، ۱۳۸۶
 - ۴- شیال، جمال الدین، **نهضت های اسلامی شبه قاره ی هند**، ترجمه ی غلامحسین جهانتیغ (از اردو به فارسی) زاهدان: مؤسسه ی هفت اقلیم شرق، ۱۳۸۳
 - ۵- شهبازی، عبدالله، **زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران**، ج ۱، تهران: مؤسسه ی مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۷۷
 - ۶- کاتوزیان تهرانی، محمدعلی، **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹
 - ۷- ماپرلی، جیمز، **عملیات در ایران (۱۹۱۸-۱۹۱۴)**، ترجمه ی کاوه بیات، تهران: انتشارات رسا، ۱۳۷۹
 - ۸- هاردی، پیتر، **مسلمانان هند و بریتانیا**، ترجمه ی حسن لاهوتی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹
 - ۹- مدنی، مولانا حسین احمد، **یک سیاسی مطالعه**، گردآوری ابوسلمان شاه جهانپوری کراچی، مجلس یادگار شیخ الاسلام (به زبان اردو)، ۲۰۰۶
 - ۱۰- منصورپوری، محمدسلیمان، **رهبر بزرگ انقلابی آسیا**، ترجمه ی خدابخش اسلام دوست چابهار، حوزه ی علمیه ی چابهار، ۱۳۷۶
- 11- Ansari,k.hh: *pan-Islam and the making of the early Indian muslim Socialist, modern Asian studies*.
Vol 2 ,no:30,London,Cambridge University press,1986

- 12- J.R.H.Cole : *On and state in awadh* , 1722-1859, Delhi: Oxford University press, 1989
- 13- Kambell ,sir George, *memories of my Indian career*, Vol.I,London ,1983
- 14- Madani , Moulana Hussain Ahmad ,*NaGsh_i Hayat*(1954) Vol:2,(India,Deoband)
- 15- Margoliouth.s.d , *pan-Islamism.in proceeding*1979 of the central asian society,1912
- 16-Maulana Syed Mohmmod Meyan Saheb, *Tahrikh-e-Sheikh-Al-Hind* , Lahore , Roomy Printers,1991
- 17- Metcalf, tomas,R,*The Aftemath of Revolt: Indian* (1857-1870) Princeton ,1965
- 18- Mian sahib.maulana syed mohammad , *tarik-e-al-Hind* - Nevill.H.L.compains on the North-wes 29, Frontier (London:gohn Murry, 1912
- 19- O Dwyer Sir fred rick , *India AsI knewwLt, London* , 1925
- 20- Qureshi,Muhammad naeem: *pan-Islam in british Indian politics*, A study of the khilafat movement (1918-1924) Leiden Brill,1999
- 21- Sen Surendra Nath , *Eighteen fifty-seven* ,Calcutta :the Government of India press,1985
- 22- Smit, Wilfred cantwel , *modern Islam in India*; A social anolysis,new Delhi,1979
- 23-Thomas.L,Hughes,*The German Missiow to Afghanistan*,1915-1916 German Studies Reviw Vol 25,No3 (Oct.2002)(German Studies Association, 2002

References

- 1- Ansari,k.hh: *pan-Islam and the making of the eurlly Indian muslim Socialist, modern Asian studies*. Vol 2 ,no:30 (London, Cambridge Univer sity press)1986
- 2- Bast Oliver ; *German in Iran (A Look at development in first World War)* According to diplomatic sources,France, Interpreter,Hosin Baneahmad: publisher Nashre Shiraze.Teheran Publication.Iran ,1998
Frontier (Londan:gohn Murry, 1912
- 3- Hardi Peter ;*The Muslims of Brittish India*, Interpreter: HassanLahuti, Publisher Combridge University press ,London,1973
- 4- J.R.H.Cole :*On and state in awadh* , 1722-1859, Delhi: Oxford University press, 1989
- 5-Kambell ,sir George, *memories of my Indian career Vol.I*,London ,1983
- 6-Katozian Teherani, Mohamad Ali ; *History constit utional*, Revolution of Iran, Teheran , Sherkat sahami anteshar .Iran ,2000
- 7-Madani , Moulana Hussain Ahmad , *NaGsh_i Hayat*(1954) Vol:2,(India,Deoband)
- 8-Madani Maulana Hussin Ahmad ; *yak siyasi motaleae* (A political study), Dr. Abosalman Jehanpori, Karachi Majleae yadgar , Shekh- al - Eslam(2006)
- 9- Mansor pory,Mohamad Salman ; Gret Leader of The Revolution Asia (Rahbar bozorge Enqlab Asia) , Interpreter , Kodabakhsh Islam dost ,Chabahrar ,Howzehelmie Chabahar. Iran,1997
- 10-Margoliouth.s.d , *pan-IsLamism.in proceeding*1979 of the central asian society,1912
- 11- Maulana Syed Mohmmod Meyan Saheb, *Tahrikh-e-Sheikh-Al-Hind* , Lahore : Roomy Printers,1991
- 12- Metcalf, tomas,R,*The Aftemath of Revolt: Indian* (1857-1870) Princeton ,1965
- 13-Mian sahib.maulana syed mohammad tarik-e-al-Hind, Nevill. H.L.compains on the North-wes 29
- 14- Moberly.f.j ; *Operations in Persia(1914-1919)* Her Majesty,s Stationary office, London. Interpreter ,kave Bayat, Poblsher,Aentesharat Rasa, Teheran ,Iran ,2000
- 15- O Dwyer Sir fredrick , *India AsI knewLt, London* , 1925

- 16- Qureshi, Muhammad naeem, *pan-Islam in british Indian politics*, A. Study of the khilafat movement (1918-1924) Leiden Brill, 1999
- 17- Sarbazi, mohamad yousef ; *Jihad and its positon in Islam*, publsher maktab Eshaghiye, Zahdan, Iran, 1368
- 18- Sen Surendra Nath , *Eighteen fifty-seven* , Calcutta :the Government of India press, 1985
- 19- Sepehr, Movarrekh- ad -dauleh; *Iran in the Great War(1914-1918)* publisher. Adib , Teheran Publication. Iran, 1989
- 20- Shahbazi Abdollah ; *The Jew and palsi plutocrats*, British Imperialism and Iran , political studies Research institute, 2007
- 21- Shial Jamal-ad-din ; *Thereform movement The Indian sub continent*, Interpreter, Ghulam Hussain Jahantigh , publisher moassey haft aqlim , Zahdan . Iran, 1383
- 22- Smit, Wilfred cantwel , *modern Islam in India*; A social Anolysis, new Delhi, 1979
- 23- Thomas. L, Hughes, *The German Mission to Afghanistan*, 1915-1916 German Studies Reviw Vol 25, No3 (Oct. 2002) (German Studies Association, 2002